

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ پیامبران
۲. مقدمات؛ حجت؛ کتاب خداوند؛ دلالت برخی آیات قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

نقد

نویسنده: حسن علی

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۰/۱۶

در صفحه‌ی ۲۱۲ کتاب، از کجای صریح آیات قرآن استنباط شده که داوود با داشتن نود و نه زوجه از برادرش خواست که یگانه زوجه‌اش را طلاق دهد تا با او ازدواج کند؟ اگر منظور، معنی کنایه‌آمیز کلمه «نعجه» است که با سیاق آیات و عمل به ظواهر و حجیت آن‌ها سازگار نیست!! و اگر مورد دیگری است بنده را مطلع فرمایید.

بررسی

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۰/۱۶

جناب علامه نفرموده که درخواست داوود علیه السلام از برادرش، «صریح آیات قرآن» است، بل آن را ظاهر آیات قرآن دانسته و ظاهر آیات قرآن، چنانکه در مبحث «حجیت ظواهر و عمومات قرآن»^۱ فرموده، حجت است و شکی نیست که ظاهر از آیات قرآن است و وجهی ظاهرتر از آن، برای تنبّه و استغفار داوود علیه السلام وجود ندارد و وجوه ادعایی که در برخی روایات واحد و ضعیف با هدف تأویل آن رسیده، در غایت تکلف است و با اسلوب قرآن سازگار نیست؛ بل اهل لغت، از دیرباز تصریح کرده‌اند که به زن «نعجه» می‌گویند و این کنایه در میان عرب شایع بوده است^۲؛ چنانکه ابن انباری از ادیبان سرشناس عرب در قرن چهارم هجری گفته است: «الْعَرَبُ تَكْنِي عَنِ الْمَرْأَةِ بِالشَّاةِ وَالنَّعْجَةِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ﴾»، قَالَ الْمُفَسِّرُونَ: النُّعْجَةُ كِنَايَةٌ عَنِ الْمَرْأَةِ»^۳؛

۱. ص ۱۹۶

۲. نگاه کن به: العین للخلیل بن أحمد، ج ۱، ص ۲۳۲؛ الزاهر فی معانی کلمات الناس لابن الأنباری، ص ۲۲۳؛ لسان العرب لابن منظور، ج ۲، ص ۳۸۰؛ نهاية الأرب فی فنون الأدب للنویری، ج ۱۴، ص ۶۴؛ تاج العروس من جواهر القاموس للزبیدی، ج ۳، ص ۵۰۱.

۳. الزاهر فی معانی کلمات الناس لابن الأنباری، ص ۲۲۳

«عرب از دو لفظ <گوسفند> و <میش> به عنوان کنایه برای <زن> استفاده می‌کند. خداوند عزّ و جلّ فرموده است: <هرآینه این برادر من است که برای او نود و نه میش است، در حالی که برای من یک میش است> و مفسران گفته‌اند <میش> کنایه‌ای از زن است». از این رو، مفسران بسیاری برای آیات مورد اشاره، تفسیری مشابه تفسیر حضرت علامه حفظه الله تعالی ارائه کرده‌اند؛ چنانکه به عنوان نمونه ثعلبی (د. ۴۲۷ق)^۱، قرطبی (د. ۷۱ق)^۲ و عینی (د. ۸۵۵ق)^۳ گفته‌اند: «هَذَا مِنْ أَحْسَنِ التَّعْرِیضِ حَيْثُ كُنِيَ بِالنَّعَاجِ عَنِ النِّسَاءِ، وَالْعَرَبُ تَفْعُلُ هَذَا كَثِيرًا»؛ «این از بهترین کنایه‌هاست که از میش برای کنایه به زن استفاده کرده است و عرب این کار را بسیار انجام می‌دهد» و از حسین بن فضل (د. قرن ۳ق) نقل کرده‌اند: «هَذَا تَعْرِیضٌ لِلتَّنْبِيهِ وَالتَّفْهِيمِ، لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ هُنَاكَ نِعَاجٌ وَلَا بَغِيٌّ»؛ «این کنایه‌ای برای متنّبه ساختن و فهماندن (داوود علیه السلام) بوده است؛ زیرا نه میشی در کار بوده است و نه ستمی» و واحدی (د. ۴۶۸ق) گفته است: «إِنَّمَا عَنِ بَهَذَا دَاوُدَ لِأَنَّهُ كَانَتْ لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ امْرَأَةً»؛ «منظورش از آن داوود است؛ چراکه برای او نود و نه زن بود» و بغوی (د. ۵۱۶ق) گفته است: «(لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعَجَةً) يَعْنِي امْرَأَةً، (وَلِي نَعَجَةٌ وَاحِدَةً) أَيِ امْرَأَةٍ وَاحِدَةٍ، وَالْعَرَبُ تَكْنِي بِالنَّعَجَةِ عَنِ الْمَرْأَةِ ... (فَقَالَ أَكْفَلْنِيهَا) وَالْمَعْنَى: طَلَقَهَا لِأَتَزَوَّجَهَا»؛ «<برای او نود و نه میش است> یعنی (نود و نه) زن، <در حالی که برای من یک میش است> یعنی یک زن و عرب از <میش> برای کنایه به زن استفاده می‌کند ... <پس گفت که آن را به من واگذار> یعنی او را طلاق بده تا با او ازدواج کنم». از این رو، سبط بن جوزی (د. ۶۵۴ق) آن را قول «عامه‌ی علما» دانسته^۴ و شیخ طوسی (د. ۴۶۰ق) از اعلام شیعه نیز تصریح کرده است: «قَالَ أَكْثَرُ الْمُفَسِّرِينَ أَنَّهُ كُنِيَ بِالنَّعَاجِ عَنْ تِسْعٍ وَتِسْعِينَ امْرَأَةً كَانَتْ لَهُ، وَأَنَّ الْآخَرَ لَهُ نَعَجَةٌ وَاحِدَةٌ يَعْنِي امْرَأَةً وَاحِدَةً»؛ «بیشتر مفسران گفته‌اند که خداوند میش‌ها را به عنوان کنایه از نود و نه زنی که (داوود علیه السلام) داشت فرموده است و این سخن که برای دیگری یک میش بود به معنای این است که یک زن داشت».

وانگهی، اصل این قصّه در میان اهل کتاب مشهور بوده است و مسلمانان نیز همین را از آن برداشت کرده‌اند؛ جز اینکه گروهی از آنان در برخی جزئیات آن دچار اشتباه شده‌اند

۱. تفسیر الثعلبی، ج ۸، ص ۱۸۹

۲. تفسیر القرطبی، ج ۱۵، ص ۱۷۳

۳. عمدة القاری للعینی، ج ۱۶، ص ۹

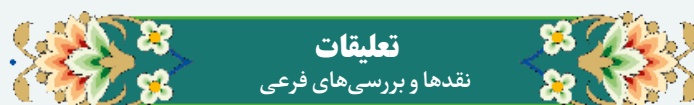
۴. التفسیر الوسیط للواحدی، ج ۳، ص ۵۴۷

۵. تفسیر البغوی، ج ۴، ص ۶۰

۶. مرآة الزمان فی تواریخ الأعیان لسبط بن الجوزی، ج ۲، ص ۱۶۴

۷. التبیان فی تفسیر القرآن للطوسی، ج ۸، ص ۵۵۲

و جناب علامه این اشتباه را تصحیح فرموده و آن عبارت از نسبت‌های زشتی است که در اطراف این قضیه به داوود علیه السلام داده‌اند، مانند رفتن او در پی کبوتر و چشم‌چرانی او در خانه‌ی همسایه و به جنگ فرستادن اوریا که هیچ یک از ظاهر آیات قرآن برداشت نمی‌شود و تنها جنبه‌ی «یک کلاغ چهل کلاغ» داشته است؛ زیرا چیزی که از ظاهر آیات قرآن برداشت می‌شود تنها درخواست آن حضرت از برادرش برای طلاق دادن زن او به قصد نکاح با اوست، بی‌آنکه عملی شدن همین نیز ثابت باشد.



تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۱۶

نویسنده: علی راضی

نقد فرعی ۱

در مورد حضرت داوود (ع) اشاره شده که با داشتن نود و نه زوجه، از برادرش خواست که یگانه زوجه‌اش را طلاق دهد تا با او ازدواج کند. سؤالی که پیش می‌آید این است که چطور می‌شود که یک پیامبر معصوم از برادر خود چنین درخواستی داشته باشد؟! چه توجیهی برای این کار وجود دارد؟!

در تفاسیر شیعه بدین صورت اشاره نشده، بلکه از امام رضا (ع) نقل شده که حضرت داوود (ع) به دلیل اینکه آن دو نفر از دیوار خانه‌ی ایشان بالا آمده و به سرعت برای قضاوت نزد ایشان آمدند، لذا ایشان دچار اضطراب شده و با اینکه قضاوت درستی انجام داد، ولی به دلیل اضطراب و عدم آرامش اصول قضاوت را رعایت نکردند، یعنی از متهم بازخواست کرد و از مدعی سؤال و جوابی نکرد. در نتیجه بعد از اینکه متوجه این مورد شدند طلب استغفار کردند. همچنین، در تفاسیر شیعه اشاره شده که ازدواج حضرت داوود (ع) با همسر اوریا بعد از اینکه ایشان در جنگ کشته شدند و بعد از اتمام عده به دستور خداوند انجام شده و هدف این بود که سنت غلط رایج آن زمان برچیده شود؛ زیرا در آن زمان به غلط رسم بود که زن شوهر مرده دیگر حق ازدواج ندارد. لطفاً در این مورد بیشتر توضیح دهید.

تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۲۰

پاسخ به نقد فرعی ۱

چنانکه در پاسخ فوق توضیح داده شد، «نعجه» در زبان عرب، از کنایه‌های شایع برای اشاره به زن بوده است و با این وصف، ظهور آیه در این معنا قابل انکار نیست و ظاهر قرآن چنانکه در کتاب «بازگشت به اسلام» تبیین شده، حجت است و دست برداشتن از آن با تمسک به خبر واحد امکان ندارد؛ خصوصاً اگر خبری ضعیف و متناقض مانند خبر مورد اشاره‌ی شما باشد؛

چراکه خبر مورد اشاره‌ی شما، با تکلفی آشکار و منافعی با سبک و سیاق قرآن، در صدد گریز از محذوری برآمده، ولی به محذوری بزرگ‌تر از آن دچار شده است! با توجه به اینکه صدور حکم پیش از شنیدن دفاعیات متهم، ظلمی آشکار و حرام است، در حالی که پیشنهاد طلاق همسر به یک دوست برای نکاح با او پس از پایان عده‌اش، حرام نیست، اگرچه مکروه باشد؛ چراکه طلاق یک زن و نکاح با او پس از پایان عده‌اش، هر دو جایز است و پیشنهاد کاری جایز، حرام شمرده نمی‌شود؛ خصوصاً با توجه به اینکه ممکن است داوود علیه السلام مصلحتی در این کار دیده باشد؛ چراکه در گذشته، نکاح با نظر به برخی مصالح سیاسی از قبیل پیوند با یک قوم یا جلوگیری از یک جنگ یا دست یافتن به یک صلح، خصوصاً در میان حاکمان شایع بوده است، تا حدی که بعید نیست برخی نکاح‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز از همین قبیل بوده باشد. از اینجا دانسته می‌شود که تفاسیر شیعه در این باره، افتادن در چاه از بیم چاله است و تفسیر علامه، در غایت متانت است.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشعی خراسانی
مجلس خبری رهبری تهران



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشعی خراسانی حفظ الله تعالی



صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطالب

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.